

که مجموعه‌ای از قوانین رسمی و غیر رسمی است، فرصتهای مبربخش وظرفیتهای گسترش را برای سازمانها بوجود می‌آورد و این سازمانها با ذخیره دانش فنی، سبب تغییرات نهادی می‌شوند. از طریق تغییرات نهادی و سازمانی با بازدهی صعودی، قابلیت تولید محقق می‌شود.

انگیزشها، شالوده‌هایی است که عملکرد اقتصادی را تعیین می‌کند و ساختار انگیزشی، برآمده از نهادهاست. در اقتصادهایی که دارای عملکرد خوب اقتصادی بوده‌اند (اروپا، ایالات متحده) انگیزشها به فعالیتهای مولد پاداش می‌داده است. وی در علت‌یابی فقر در کشورهای جهان سوم می‌نویسد: «کشورهای جهان سوم به این علت فقیرند که محدودیتهای نهادی، مجموعه‌ای از پاداشها را تعریف کرده‌اند که فعالیتهای مبربخش را تشویق نمی‌کند.»

نورث تنها قوانین را عامل ایجاد انگیزش نمی‌داند، بلکه ساز و کار اجرا، شیوه اجرا، هنجارهای رفتاری و مدل‌های ذهنی کنشگران را عوامل دیگری برای موفقیت در ترتیبات نهادی ارزیابی می‌کند.

بسیاری از کشورهای جهان سوم قوانین حقوق مالکیت کشورهای موفق غربی را اقتباس کرده‌اند، باوجود این، نتایج این اقتباس با نتایجی که از ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی بدست آمده‌اند، مشابهتی ندارد گرچه قوانین یکسانند، اما عواملی مانند ساز و کار اجرا، شیوه اجرا، هنجارهای رفتاری و مدل‌های ذهنی کنشگران یکسان نیستند.

نورث با این ایده نظریات وابستگی و نظریه مرکز-پیرامون که «اگر کشورهای فقیر، فقیرند آنها قربانی ساختارهای نهادی شدند که رشدشان را سد کرده‌است» موافق است اما اینکه آیا این ساختار نهادی از بیرون بر آنها تحمیل شده است یا درون‌زاست و یا ترکیبی از این دو، پاسخ این پرسشها را به دلیل عدم مصالحت به آینده وامی‌گذارد.

به نظر می‌رسد آنچه را که نورث به عنوان دیدگاه خود از تاثیر نهادها در عملکرد اقتصادی مطرح کرده‌است، بر اساس تحولات تاریخی اقتصاد کشورهای صنعتی بویژه ایالات متحده است و این ابزار تحلیلی می‌تواند آینده تحولات اقتصادی این کشور یا کشور توسعه یافته دیگری مانند ژاپن را توضیح دهد. اما آیا می‌توان با این ابزار تحلیلی، فرایند توسعه اقتصادی در ایران را تحلیل کرد؟ در ایران موانع بسیاری اعم از داخلی همچون هنجارها و ارزشهای ضد توسعه‌های، نارسایی قوانین حقوقی، نامناسب بودن ساختار مالیات، تمرکز قدرت سیاسی، عدم وجود اتحادیه‌ها و سازمانهای مردمی و موانعی خارجی همچون تحریم اقتصادی، عدم هم‌نوایی با روند تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی... وجود دارد.

بنابراین برای تحول در عملکرد اقتصادی، نیازمند اصلاح ساختارهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی گسترده‌ای هستیم که حفاظت و تضمین حقوق مالکیت، جزئی از آن می‌باشد. یکی دیگر از موارد قابل بحث در کتاب، مسئله بهبود وضعیت خانوارهای کم‌درآمد از طریق فرآیند حفاظت قانونی گسترده از حقوق مالکیت است. نویسنده بهبود توزیع درآمد را سبب افزایش تقاضا و گسترش بازارها و بهبود عملکرد بازار می‌داند. اما برای دولت به دلیل ناکارایی، نقش مهمی در توزیع مجدد درآمدها قابل نیست و عقیده دارد که حفاظت قانونی گسترده از حقوق مالکیت، امکان کسب درآمد بیشتری را برای خانوارهای کم درآمد به دنبال داشته و این خانوارها منافع بیشتری را از فرآیند حفاظت حقوق مالکیت بدست خواهند آورد. اما واقعیت‌های اقتصادی کشور این تحلیل را تأیید نمی‌کند.

## معماری نهادی

زیرا، بخش عمده‌ای از گروه‌های کم‌درآمد در جامعه روستایی و شهری فاقد اموال و دارایی قابل توجهی هستند و عمدتین منابع درآمد آنها، نیروی کار آنهاست. در شرایطی که سالیان‌دراز روند بهبود توزیع درآمد وجود نداشته و سبب تمرکز اموال و دارایی جامعه در گروه محدودی شده است، آیا گروه‌های کم درآمد می‌توانند امیدوار باشند که باتضمین و حفاظت گسترده از حقوق مالکیت وضعیت آنها نیز بهبود یابد؟

از آنجا که نویسنده شواهد علمی در اثبات این فرضیه ارائه نکرده است، موارد زیر در نقد این ایده قابل طرح است:

۱- توزیع مجدد مالکیت در بسیاری از کشورها بویژه در بخشی کشاورزی - اصلاحات ارضی - سبب بهبود و گسترش فعالیتهای کشاورزی گردیده است. بنابراین در جامعه‌ای که توزیع ثروت بسیار نابرابر باشد توزیع مجدد مالکیت یکی از روشهای افزایش کارایی اجتماعی است.

۲- نفوذ سیاسی در تفسیر قوانین و مقررات یکی از شایع‌ترین شیوه‌های افزایش منافع اقتصادی است. در شرایطی که گروه‌های متعدد اجتماعی از جمله مصرف‌کنندگان، کارگران، جوانان فاقد اتحادیه و سازمانهایی برای چانه‌زنی و کسب حقوق مشروع خود هستند، تأکید بر حفاظت از حقوق مالکیت، منافع گسترده‌ای را برای گروه‌هایی که قدرت اقتصادی و سیاسی جامعه را در دست دارند به دنبال خواهد داشت.

۳- ثروتهای افسانه‌ای طی دهه‌های گذشته منصف گروه اندکی از افراد به دلیل رانت‌های اقتصادی شده و این امر سبب گسترش اقتصاد زیرزمینی و ایجاد ضد انگیزشهای تولیدی گردیده است. آیا با تضمین حقوق مالکیت گسترده، حاکمیت این گروه‌ها بر اقتصاد تثبیت نمی‌شود؟

۴- بر اساس اطلاع ارائه شده در کتاب بیش از ۷۰ درصد دارایی خانوارها در کشورهای در حال توسعه مربوط به مالکیت زمین و مستغلات است. در ایران نیز اکثریت دارایی‌های افراد بصورت اموال منقول است. در سطح شهرها این نوع مالکیت با بخشهای تولیدی ارتباط ندارد. تضمین حقوق مالکیت با تحویل اسناد رسمی و تسهیل در خرید و فروش، بازار زمین و املاک را رونق می‌دهد. این بر مفهوم سرعت بیشتر گردش دارایی‌هاست که بر افزایش نرخ تورم مؤثر است. بنابراین اگرچه تضمین حقوق مالکیت، تخصیص مجدد منابع و افزایش تقاضا را دنبال دارد، اما این مسئله، تورم را افزایش می‌دهد و خصالت بهبود بازارهای کالایی را احتمالاً دنبال نخواهد داشت.

پانوشته‌ها:

1- The collective ought  
 ۲- فیلیپ کلاین، چالش نهادگرا فراتر از مخالفت، ترجمه محسن رزانی، مقاله‌ای از کتاب در دست چاپ «چشم‌اندازهای اقتصاد نهادگرا»  
 ۳- کلیه مطالب داخل گیومه بدون ارجاع، از متن کتاب «بازارها نابازار؟» انتخاب شده است.  
 4- Mark R. Tool, An Institutional Mode of Inquiry Limitations of orthodoxy (the Role of Economic theory, 1994) P. 209.  
 5- Liberalism Lives, The Economist, JANUARY 2nd 1999, PP. 53, 54.  
 ۶- بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بزرگانی، ۱۳۷۸، ص ۵۸.  
 ۷- باقر قدیری اصلی، سیر اندیشه‌های اقتصادی، دانشگاه تهران، اسفند ۶۸.  
 ۸- داکلاس نورث، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا مینعی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.

## جامعه‌شناسی در ایران

تقی آزادارمکی



# جامعه‌شناسی

## جامعه‌شناسی در ایران

جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران  
 تقی آزادارمکی  
 نشر کلمه

این کتاب در پی بررسی نوع رابطه بین نوگرایی و علم جامعه‌شناسی در ایران است. مؤلف مدعی استقبال از ورود نوگرایی به ایران، با وجود اینکه در میان آراء و نظرات متفکران مسلمان اعم از مورخان، ادیبان، سیاست‌نامه‌نویسان، فقیهان و محدثان، اندیشه اجتماعی وجود داشته و اینان درباره انسان و منزلت اجتماعی و تاریخی او نقطه‌نظراتی داشته‌اند، ولی از رویکرد جدید تحت عنوان جامعه‌شناسی خبری نیست. زیرا این نوع اندیشه متعلق به دنیای جدید است که ریشه و اساس آن در تمدن و فرهنگ غربی است.

این کتاب در ده فصل تهیه و تنظیم شده است در فصل اول بنیان‌های نظری و اجتماعی مؤثر در ظهور جامعه‌شناسی در ایران بحث شده و این بنیان‌ها بر دودسته تقسیم شده است. یکی بنیانهای نظری و معرفتی و دیگری بنیانهای اجتماعی و سیاسی. مؤلف پذیرش جامعه‌شناسی به عنوان یک چارچوب فکری و نظری، ضرورت نوگرایی، اندیشه مارکسیستی، پذیرش جامعه‌شناسی به عنوان ایدئولوژی روشنفکران، عدم وجود «آلترناتیو» برای جامعه‌شناسی و جهانی تلقی شدن جامعه‌شناسی را به عنوان بنیان‌های معرفتی

مؤلف، ضرورت نوگرایی، اندیشه مارکسیستی، پذیرش جامعه‌شناسی به عنوان ایدئولوژی روشنفکران، عدم وجود آترناتیو برای جامعه‌شناسی و جهانی تلقی شدن این علم را به عنوان بنیان‌های معرفتی و نظری شکل‌گیری جامعه‌شناسی در ایران دانسته است



جامعه‌شناسی اسلامی به دلیل عدم پیوستگی بین متون ارائه شده، ناهمخوانی زمینه اعتقادی استادان با محتوای دروس، تفاوت برداشت بین حوزه و دانشگاه در مورد جایگاه جامعه‌شناسی و سیاسی بودن محیط دانشگاهی به هدف‌های مورد نظر خود نرسیده است



به نظر مؤلف، تنوع و نارسایی در مفاهیم، عدم سازگاری جامعه‌شناسی با شرایط خاص جامعه ما، چگونگی مواجهه سیاستمداران نسبت به جامعه‌شناسی، فقدان ارتباط کافی بین دانشگاه و سیستم اجرایی، تسلط آموزش بر پژوهش و کمبود منابع معتبر از جمله مشکلات عمومی این رشته تلقی می‌شود

و نظری جامعه‌شناسی در ایران و برنامه‌های توسعه و حمایت سیاسی، اقتصادی دولت را از بنیان‌های اجتماعی و سیاسی پیدایش جامعه‌شناسی در ایران معرفی کرده است.

هر یک از مؤلف‌ها و شاخص‌های نوسازی در ایران از قبیل شکل‌گیری نظام آموزشی جدید و گسترش کمی و کیفی آن، تأسیس مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، برنامه‌ریزی توسعه در سطوح ملی و منطقه‌ای و نیاز به ارزیابی مراحل آن، ارتباط ارگانیک با غرب، شکل‌گیری عرصه روشنفکری، تالیف و ترجمه کتاب‌ها و... در مراحل متعدد و به صورت متفاوت در شکل‌دهی به جامعه‌شناسی مؤثر واقع شدند. از طرف دیگر، به لحاظ اینکه دولت به عنوان عامل و کارگزار توسعه در ایران تلقی می‌شود با حمایت و پشتیبانی از جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان، در مراحل متعدد ضمن اینکه عامل شکل‌گیری و تقویت جامعه‌شناسی گردید، زمینه‌ساز وابستگی جامعه‌شناسان به دولت نیز شد. رابطه دوجانبه دولتمردان و جامعه‌شناسان در مراحل آغازین توانست تا حدودی در قوام این علم در ایران مؤثر واقع شود.

در فصل دوم کتاب مؤلف به مراحل رشد جامعه‌شناسی در ایران پرداخته و مراحل رشد آنرا به چهار مقطع تقسیم کرده است:

- ۱- مرحله تأسیس جامعه‌شناسی در ایران
- ۲- مرحله گسترش و توسعه
- ۳- مرحله توقف
- ۴- مرحله بازبینی و گسترش.

در این فصل به نقش نسل اول جامعه‌شناسان ایران و تأسیس گروه‌های جامعه‌شناسی و دانشکده علوم اجتماعی و تعاون و نقش عوامل فکری شکل‌گیری در مرحله تأسیس اشاره شده و نقش نسل دوم جامعه‌شناسان در ایران و توسعه مراکز تحقیق و آموزش در مرحله گسترش و توسعه مورد

اصلی در عرصه جامعه‌شناسی ایران اشاره کرده‌است. یکی «نامه علوم اجتماعی» و دیگری «فصلنامه علوم اجتماعی» که اولی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دومی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی منتشر می‌شود. در این مجلات، مقالات تالیفی بیشتر از ترجمه است و برخی از مسائل اجتماعی ایران در آنها بررسی شده، ولی اساسی‌ترین ضعف این مجلات، عدم فراگیری بحث‌درباره حوزه‌های متعدد جامعه‌شناسی است.

فصل هفتم به پایان‌نامه‌های دانشجویی اختصاص دارد. در این فصل مؤلف، ده درصد از مجموع ۵۵۵ پایان‌نامه نوشته شده در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را بررسی کرده است. کلی بودن موضوع پایان‌نامه‌ها، نظری بودن ۷۵ درصد از موضوعات و نداشتن فرضیه در بیش از ۵۰ درصد پایان‌نامه‌ها از جمله ویژگی‌های آنهاست.

فصل هشتم به وضعیت تدریس جامعه‌شناسی در ایران اختصاص یافته و در مجموع وضع آموزش این رشته، مطلوب ارزیابی نشده است و برای بهبود آن پیشنهاد شده که آموزش بر اساس اطلاعات جدید و بحث و گفتگو و انجام کارهای تجربی صورت گیرد.

در فصل نهم مؤلف به گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی ایران پرداخته و به جامعه‌شناسی علمی دانشگاهی، جامعه‌شناسی ایران و جامعه‌شناسی اسلامی اشاره کرده است. مؤلف معتقد است که جامعه‌شناسی اسلامی به دلیل عدم پیوستگی بین متون ارائه شده، ناهمخوانی زمینه اعتقادی استادان با محتوای درسی، تفاوت برداشت بین استادان حوزه و دانشگاه در مورد جایگاه جامعه‌شناسی و سیاسی بودن محیط دانشگاهی به هدف‌های مورد نظر خود نرسیده‌است.

آخرین فصل از کتاب مذکور در مورد آینده جامعه‌شناسی در ایران است. نویسنده معتقد است بازسازی سازمان جامعه‌شناسی، بازبینی در محتوای دروس، افزایش منابع، میل به تخصصی‌تر شدن جامعه‌شناسی در سطوح فوق‌لیسانس و دکتری، میل به گشایش حوزه‌ها و رشته‌های جدید مانند روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی ایران، جامعه‌شناسی توسعه، مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی و برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی در سطوح ارشد و دکتری، روند آتی جامعه‌شناسی در ایران خواهد بود.

همانطور که مؤلف یادآوری کرده است تالیف کتابی درباره تاریخ علم جامعه‌شناسی که به زندگی بیش از چهارصد نفر در ایران در طول چهار سال گذشته مربوط می‌شود بی‌عیب و نقص نخواهد بود اما چاپ این اثر زمینه‌ساز ایجاد گفتگوی کارشناسانه درباره جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان خواهد شد که نتیجه آن مشارکت فعال صاحب‌نظران در این بحث و غنابخشی و تکمیل آن خواهد بود.

در مجموع این کتاب در نوع خود کم‌نظیر و از لحاظ دست‌بندی مطالب و تنظیم منطقی مباحث درخور توجه‌است و بسیاری از مباحث مطروحه در آن جای بحث و تحقیق بیشتری دارد. انتشار این گونه کتب حداقل فایده‌اش این است که تاریخ و داستان رشد یک علم در کشور از آغاز تا کنون برای خواننده تعالی شده و دانشجویان و اساتید ضمن مرور تاریخ تکامل آن، ضعف‌ها و حوزه‌هایی را که احتیاج به کار و تلاش علمی بیشتری دارد خواهند شناخت. در مجموع شاید بتوان گفت تالیف اینگونه کتب محققان مربوطه را کمک خواهد کرد تا یک بازنگری مجدد در توسعه و گسترش زمینه‌های مغفول از یک طرف و بومی کردن آن از طرف دیگر صورت دهند و این چیزی است که باید در سایر حوزه‌های علوم اجتماعی نیز صورت گیرد.

توجه واقع شده‌است. در مرحله توقف نویسنده به بررسی دلایل طرح انقلاب فرهنگی و در مرحله چهارم به انواع بازبینی در جامعه‌شناسی ایران از جمله بازبینی در رویکردها، نحوه استفاده و سازمان جامعه‌شناسی و نیز شکل‌گیری نسل سوم جامعه‌شناسان ایران و تأسیس انجمن جامعه‌شناسی پرداخته است.

در فصل سوم، ویژگی‌های جامعه‌شناسی در ایران از جمله ترجمه‌های بودن آن، غلبه جنبه‌های نظری بر جنبه‌های کاربردی آن، غلبه آموزش بر پژوهش و... تبیین شده است. فصل چهارم به بحران جامعه‌شناسی در ایران اختصاص دارد. در این فصل، بحران در علم جامعه‌شناسی و تبیین مفهوم آن و ریشه‌های بحران از جمله مشکلات سازمانی و ضعف محتوای جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است.

به نظر مؤلف، تنوع و نارسایی در مفاهیم، عدم سازگاری جامعه‌شناسی با شرایط خاص جامعه ما، مشکلات ناشی از برخورد سیاستمداران نسبت به جامعه‌شناسی، فقدان ارتباط کافی بین دانشگاه و سیستم‌های اجرایی، بومی نبودن جامعه‌شناسی، تسلط آموزش بر پژوهش و کمبود منابع معتبر از جمله مشکلات عمومی این رشته است. وی تقویت انجمن جامعه‌شناسی، تقویت حوزه‌های متفاوت این رشته، قبول رسالت بررسی مشکلات جامعه، توجه دادن اساتید و دانشجویان و محققان به مطالعات میدانی و اجتناب از کلی‌گویی و ارزیابی جدید از روند گذشته را از جمله تلاش‌های لازم برای خروج جامعه‌شناسی از وضعیت بحرانی معرفی کرده است.

در فصل پنجم نویسنده به کتب جامعه‌شناسی در ایران پرداخته است. در عرصه مبانی به کتاب هانری مندراس و آنتونی گینز، یحیی مهدوی و زمینه جامعه‌شناسی آریان‌پور و در عرصه نظریه‌های جامعه‌شناسی به کتاب مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، نظریه‌های جامعه‌شناسی ادیبی، بینش جامعه‌شناختی سی رایت میلز، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی کوزر و نظریه‌های جامعه‌شناسی ریتزر و در عرصه روش‌های تحقیق به کتاب روش‌های تحقیق دوروزه، روش‌های تحقیق خسرو مهندسی، کندوکاوها و پنداشته‌های رفیع‌پور و روش تحقیق کیوی و در عرصه نقد و فلسفه علوم اجتماعی به کتب سروش، آل‌احمد و شریعتی و کتاب جامعه و تاریخ مطهری اشاره کرده و نتیجه‌گیری کرده است که در عرصه حوزه‌های جامعه‌شناسی با کتاب جدی روبرو نیستیم. علت آن نیز، عدم گرایش جامعه‌شناسی ایران به ورود در عرصه‌های تخصصی است.

فصل ششم به نقش مجلات علوم اجتماعی در شکل‌دهی به جامعه‌شناسی اختصاص دارد و به دومجله